

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

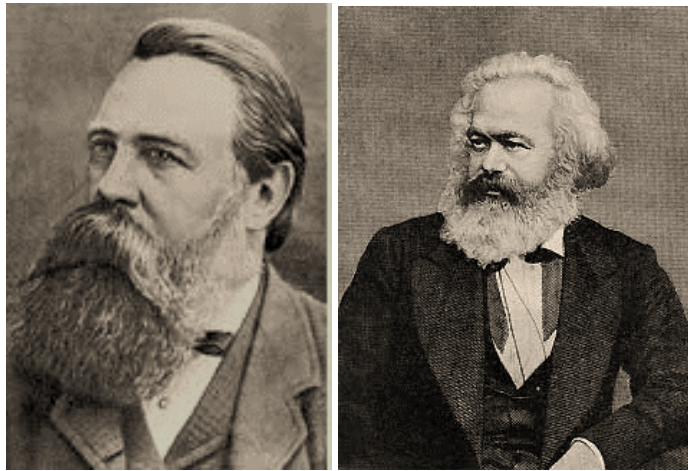
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۱۲ جنوری ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل

کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۵

۶- کارل مارکس : (منتخب) « مسائل هانلد – دنمارک – تبدیل قرض دولت انگلستان – هند – ترکیه و روسیه »

لندن، سه شنبه ۲۴ می ۱۸۵۳
نیویورک دیلی تریبون شماره ۳۷۹۰
۹ جون ۱۸۵۳

اعتبار قرارداد کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۵۴ به پایان خواهد رسید. لرد جان راسل^۲ خطاب به مجلس عوام^۱ اعلام

^۱ بحث در مجلس عوام به طرح قانون و منشور جدید کمپانی هند شرقی مربوط می شود. منشور سال ۱۸۳۳ به پایان می رسد. کمپانی هند شرقی در سال ۱۶۰۰ بنیان گذاری شد و در واقع ابزار استعماری انگلیس است. تحت پوشش این کمپانی بود که در اواسط قرن گذشته سرمایه داران بریتانیایی فتح هند را تحقق بخشیدند. کمپانی از همان بدو پیدایش خود انحصار بازرگانی با هند و چین را در اختیار داشت، و در متصرفات هند حکمرانی می کرد و کارگزارانش مالیات ها را دریافت می کردند. در فواصل معینی به شکل دائمی پارلمان قراردادهای و حق امتیازات رسمی و

کرد که روز ۳ جون دولت از طریق سرشارل وود^۴ آماده خواهد بود تا دیدگاه و نظریاتش را درباره اداره آینده هند مطرح کند. برخی روزنامه های دولتی با پشتیبانی شایعاتی که در اذهان عمومی به راه انداختند، چنین وانمود کردند که جبهه ائتلاف راه حلی برای مسائل عظیم هند پیشنهاد کرده است که آنها را به حداقل کاهش خواهد داد. ايسرور^۵ اذهان عمومی مردم انگلیس را برای توهّم زدائی تازه ای آماده می کند. در این روزنامه غیر رسمی ابردين^۶ می خوانیم :

«خلاف تصورات عمومی درباره اداره امور و سازماندهی تازه امپراتوری شرقی، کار چندان زیادی باقی نمانده است.»

برای لرد راسل و ابردين خلاف تصورات عمومی کار چندان زیادی بر جا نمانده است. در تغییر و تحولات مزبور ظاهراً دو نکته معنی دار دیده می شود. اولاً، شورای مدیران^۷ با پیوستن اعضای جدیدی که مستقیماً توسط تاج و تخت سلطنتی تعیین می شوند باز سازی خواهد شد، ولی انجام چنین کار پر اهمیتی اگر چه خون تازه ای در شریان ها به جریان می اندازد، با وجود این چنان که اعلام کرده اند «با صرفه جوئی آغاز خواهد شد». این پیشنهاد را در مورد نظام قدیمی مدیریت به شکلی به کار می بندند که سهم خونی که اکنون به جریان انداخته اند، البته با «صرفه جوئی بسیار»، فرصت خیلی زیادی خواهد داشت که پیش از جاری شدن در حلقه ثانوی منعقد گردد. در ثانی، به کاری پایان خواهند داد که تا کنون فقط به عهده یک نفر بوده است، یعنی مقام قاضی و دریافت کننده مالیات های غیر مستقیم. با این حساب که قضات فقط از میان افراد صلاحیت دار انتخاب می شوند. آیا شنیدن چنین پیشنهادهای یاد آور اوایل قرون وسطا نیست؟ یعنی دورانی که اربابان توسط قانونگذاران به مقام قاضی برگزیده می شدند و فقط به این شرط که حداقل خواندن و نوشتن بدانند.

«سر شارل وود» به عنوان رئیس دفتر نظارت در امور هند^۸ باید اصلاحات پر اهمیتی را معرفی کند. او در آخرین دولت

بازرگانی را تمدید می کرد. در قرن نوزدهم اعتبار بازرگانی کمپانی افول کرد. در سال ۱۸۱۳ اقدامات پارلمانی روابط بازرگانی با هند را از انحصار کمپانی خارج ساخت، ولی انحصار چای و بازرگانی با چین همچنان در اختیار کمپانی باقی ماند. چنین امتیازاتی و تمام انحصارات در سال ۱۸۳۳ از دست کمپانی خارج شد. قوانین پارلمانی در سال ۱۸۵۳ حق حکمرانی بلامنازع کمپانی در هند را لغو کرد. و کمپانی بیش از پیش به تاج و تخت سلطنت وابسته شد، و مدیران آن نیز دیگر حق انتخاب کارگزاران را نداشتند و تعدادشان نیز از ۲۴ به ۱۸ نفر کاهش پیدا کرد (که ۶ نفر از آنها به انتخاب دستگاه سلطنتی بستگی داشت). انتساب رئیس دفتر نظارت معادل پست وزیر در هند بود. حق نظارت بر دارائیهای انگلیس در هند تا پیش از ۱۸۵۸ به عهده کمپانی بود. از این تاریخ به بعد دولت هند مستقیماً به سلطنت انگلیس وابسته شد.

² Lord John Russel

³ La Chambre des Communes

⁴ Sir Charles Wood

⁵ Observer

روزنامه انگلیس با تمایلات محافظه کارانه که از سال ۱۷۹۱ منتشر شد.

⁶ Aberdeen

⁷ Conseil des directeurs

شورای مدیران، سازمانی اداری در کمپانی هند شرقی بود. شورای مدیران از با نفوذترین اعضای کمپانی و نمایندگان دولت انگلیس در هند تشکیل شده بود که حداقل ۲۰۰۰ لیور استرلینگ سهام داشتند. مرکز این سازمان در لندن بود. و هر سال در جلسه عمومی سهام داران انتخاب می شد (به عنوان مشاور مالکین و سهام داران). از سال ۱۷۷۳ هر فردی که حداقل ۱۰۰۰ لیور استرلینگ در اختیارش بود حق رأی داشت. تا سال ۱۸۵۳ این شورا قدرت قابل توجهی در هند پیدا کرد. در سال ۱۸۵۸ همزمان با خود کمپانی حذف شد.

⁸ Bureau de Contrôle

دفتر نظارت ویژه امور هند بر اساس قانون سال ۱۷۸۴ ایجاد شد که به امور اداری کمپانی هند شرقی و دارائی های بریتانیا در هند رسیدگی می کرد. شش عضو آن توسط پادشاه از میان مشاورین مخصوصش انتخاب می شد. رئیس دفتر نظارت عضو کابینه بود و والی کل هند نامیده می شد. تصمیمات دفتری که مرکز آن در لندن بود، از طریق کمیته ای سری که از سه نفر از اعضای مدیریت کمپانی تشکیل می شد به اطلاع مقامات محلی می رسید. به این ترتیب قانون سال ۱۷۸۴ قدرت دوگانه ای در هند ایجاد کرده بود : دفتر نظارت (کابینه انگلیس) و شورای مدیران (کمپانی). دفتر نظارت در سال ۱۸۵۸ منحل گردید.

لیبرال به اندازه ای خود را تیز هوش نشان داد که جبهه ائتلافی را واقعاً دچار مشکل کرد، و نمی دانستند با او چه کار کنند، تا این که این فکر به ذهنشان خطور کرد که او را به هند بفرستند. ریچارد سوم تمام یک کشور را به اسب می بخشد، جبهه ائتلافی تمام سلطنت را به خر اعطاء می کند. در حقیقت، اگر در حال حاضر حماقت رسمی دولت الیگارشی به معنای آن چیزی ست که از عهده انگلستان برمی آید، باید دانست که آن دوران سیطره جهانی انگلیس به پایان رسیده است.

پیش از این بارها شاهد بودیم که برای اقدامات هر چند ناچیز، جبهه ائتلاف پیوسته دلایل قانع کننده ای برای به تعویق انداختن آنها ارائه می کرد. در حال حاضر چنین عادتی برای به تأخیر انداختن اقدامات، در مورد مسائل هند از جانب اذهان عمومی در دو کشور پشتیبانی می شود. مردم انگلستان و هند هم زمان تا پایان تحقیقات و جمع آوری اطلاعات ضروری، و تا وقتی که هنوز صدای اهالی هند شنیده نشده است، خواهان به تعویق انداختن هر گونه اقدام قانونی در رابطه با مسائل هند هستند. *دوئینگ استریت*⁹ و سه تن از رؤسا علیه تأیید فوری قوانین جدید اعتراض نامه ای دریافت کرده اند¹⁰. مدرسه منچستر «انجمن هندی» را ایجاد کرده است که علیه هر گونه قانون گذاری در این زمینه در طول اجلاس پارلمانی جاری، باید به فوریت در پایتخت و در تمام کشور میتینگ برگزار کند. علاوه بر این دو کمیسیون پارلمانی دو پرونده درباره اداره هند ارائه می کنند.

ولی این بار وزارتخانه ائتلافی خدشه ناپذیر بنظر می رسد و منتظر انتشار نتایج این کمیسیونها باقی نخواهد ماند. او می خواهد فوراً و مستقیماً قوانین مربوط به ۱۵۰ میلیون انسان را برای ۲۰ سال آینده به تصویب رساند. سر شارل وود در تب آرزوی تبدیل شدن به مانوی مدرن¹¹ می سوزد. ولی پرسش اینجاست که چنین اصرار فوق العاده ای برای به تصویب رساندن این قوانین عاجل نزد سیاستمداران بی اعتبار ما که تا کنون بر حسب عادت محتاطانه رفتار می کردند به چه معنایی ست؟

آنها می خواهند منشور قدیمی هند را برای ۲۰ سال آینده تمدید کنند. برای رسیدن به چنین هدفی، از ترفند همیشگی اصلاحات استفاده می کنند. چرا؟ الیگارشی انگلیس پایان روزهای پر افتخارش را سرعت می بخشد و با چنین طرحی، که البته قابل درک می باشد، می خواهد با تصویب قوانین انگلیس، حتا اگر بزودی انگلستان از دستان ناتوان ولی طماع او رها شود، امتیاز چپاول هند را باز هم برای بیست سال آینده به خود اختصاص دهد.

⁹ Dowling Street

دوئینگ استریت، اقامتگاه نخست وزیر در لندن و برخی اعضای کابینه: مترادف دولت انگلیس.
¹⁰ سه تن از رؤسای مناطق بنگال، بمبئی و مدراس، بر اساس تقسیم بندی رسمی هند بریتانیایی.

¹¹ Manou

بر اساس اساطیر هندی پدر انسان ها ست. گوئی او قوانین کهنی را که باید جزء وظایف هندی قرار بگیرد تألیف می کند.
Mānava-dharma-çāstra قوانین مانو، کتابی ست در نوزده جلد با ۵۳۷۰ بیت در انتشارات فرانسوی به سال ۱۸۳۰. که حاوی قوانین است. مانو نام موجودی برتر است که دائماً در ادبیات هندی آورده شده است. مانو در قدیمی ترین کتابهای بودائی به عنوان دورانی بسیار قدیمی تر از بودا قید شده است. بودا در اطراف سال ۵۴۳ پیش از میلاد چشم از جهان فرو بست. قوانین مانو در ماهاباراتا مشاهده می شود بنابراین به دوران اساطیری هند باز می گردد.

۷- کارل مارکس : فریبکاریهای روس. شکست گلاستون.

اصلاحات سر شارل وود برای هند شرقی

لندن، سه شنبه، ۷ جون ۱۸۵۳

نیویورک دلی تریبون شماره ۳۸۰۱ .

جون ۲۲ جون ۱۸۵۳

...آخرین طرح قانون پارلمانی انگلیس به سال ۱۷۸۳ در خصوص هند که برای کابینه انتلافی آقای فوکس^{۱۲} و لرد نورس^{۱۳} گران تمام شده بود، یک بار دیگر بیم این می رود که امسال (۱۸۵۳) نیز طرح جدید مرتبط به هند، که اخیراً تسلیم پارلمان شده برای کابینه انتلافی مستر گلاستون و لرد جان راسل^{۱۴} گران تمام شود. ولی اگر اولی در پی تلاشهایش برای براندازی شورای رؤسا و مشاوران سهامداران^{۱۵} سرنگون شد، دومی نیز در تهدید همان سرنوشت قرار گرفته است، ولی به دلیل کاملاً معکوس. روز ۳۰ جون سر شارل وود درخواست اجازه کرد تا طرح جدیدش را برای اداره هند تسلیم کند. در آغاز سر شارل وود با درخواست پوزش به خاطر سخنرانی طولانی خود، به «اهمیت و وسعت مسأله» اشاره می کند و این که چنین طرحی «به سرنوشت سد و پنجاه میلیون انسان بستگی دارد». ولی چرا با این همه عجله می بایستی برای مسأله ای به این اهمیت طرح قانون جدیدی ارائه می کردیم، در حالی که معمولاً حتا برای انجام کارهای بی اهمیت، اجرای آن را به تأخیر می اندازیم و به خودمان فرصت بیشتری می دهیم؟ علت این است که اعتبار معاهدات با کمپانی هند شرقی در ۳۰ اپریل ۱۸۵۴ به پایان می رسد.

طرح او بر این اساس بود که از فرصت باقی مانده استفاده کرده و قرارداد کمپانی را به شکل موقتی تمدید نماید و تصویب طرح قانونی دراز مدت را به مذاکرات در آینده موکول کند. زیرا به زعم او، هرگز فرصتی مناسب تر از این وجود نداشت که با انبساط و آسودگی خاطر به بررسی مسأله ای به این وسعت و اهمیت پرداخته شود، به سخن دیگر یعنی مهار آن در پارلمان. از سوی دیگر «ما در این زمینه اطلاعات کاملی در اختیار داریم»، زیرا رؤسای کمپانی هند شرقی بر این عقیده بودند که ضرورتی عاجل ایجاد می کند که این مسأله از راه قانونی در این مرحله حل شود، و والی کل هند، لرد دالهاوسی^{۱۶}، طی نامه ای فوری دولت را فرا خواند که به هر قیمتی شده طرح جدید را به شکل عاجل به تصویب رساند. ولی مهمترین استدلال سر شارل جهت به تصویب رساندن فوری طرح قانونی جدیدش، این است که با وجود آماده بودن طرح، مسائل متعددی بر جای مانده که هنوز «دربرنامه مطروحه گنجانده نشده است».

پس از این مقدمه پردازی، سر شارل در مدح ساخت و ساز اداری هند در طول بیست سال گذشته، مطالبی ایراد کرد و گفت :
«ما باید هند را با چشمان هندی ها نگاه کنیم»، ولی به نظر می رسد که گوئی برخی از چشم ها این خاصیت را دارند که هر آنچه را که به انگلیس ها مربوط می شود به رنگ گل های بهاری ببینند و هر آنچه را که هندی ست، سیاه منعکس کنند.»
«در هند، شما با نژادی از انسان ها سروکار دارید که به کندی تحول می یابد و به علت اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم قدیمی و پوسیده دچار رکود شده است. در واقع هر گونه پیشرفت و تحول سریع در آن جا فوراً با تمام موانع قابل تصور روبه رو می

¹² Mr.Fox

¹³ Lord North

¹⁴ Lord John Russel

¹⁵ Courts of Directors and of Proprietors

شورای سهامداران کمپانی هند شرقی، گردهمائی آنانی که دست کم ۵۰۰ لیور استرلینگ سهام دارند. هر سه ماه یک بار برگزار می شود و هر سال شورای مدیران را انتخاب می کند

¹⁶ Lord Dalhousie

شود.» (هند شاید دارای یک حزب متحد ویگ^{۱۷} باشد.

سر شارل اعلام کرد :

«نکاتی که خصوصاً روی آنها تأکید شده بود و به موارد اصلی شکایات موجود در شکایت نامه ای که به کمیسیون ارسال گردیده، به امور قضائی، کارهای عمرانی و مالکیت ارضی مربوط می شود.»

در رابطه با طرح های عمرانی، دولت فعالیت های بسیار گسترده و وسیعی را پیشنهاد کرده است. در مورد مالکیت ارضی، سر شارل با درایت کامل ثابت می کند که اشکال سه گانه موجود یعنی - نظام «زمینداری»^{۱۸} (۳)، «ریوتواری» و نظام روستائی - که فقط یکی از اشکال بهره برداری مالی بوده توسط کمپانی تحمیل شده و هیچ یک علت وجودی دیگری نداشته است. و سرل شارل نیز شکل دیگری از بهره برداری مالی را که در قطب مخالف باشد به ذهنش راه نمی دهد.

«آنچه به امور قضائی مربوط می شود، شکایات غالباً مرتبط است با کاستی های آئین نامه دادرسی نظام قضائی انگلیس و عدم صلاحیت قضات انگلیس و به همین منوال بزهرکاری کارمندان و قضات بومی.»

و برای این که نشان دهد تا چه اندازه تضمین فعالیت عملی دستگاه قضائی در هند دشوار است، سر شارل به کمیسیون ویژه امور قضائی که در سال ۱۸۳۳ تشکیل شده بود اشاره می کند. ولی بر اساس اظهارات خود سرشارل وود پرسشی که مطرح می باشد این است که کمیسیون مزبور به چه نحوی وارد عمل شد؟ نخستین و یگانه نتیجه این تلاش ها ایجاد قانون جزائی بود که به پشتیبانی آقای مکولای^{۱۹} تحقق یافت. این قانون به مقامات مختلف محلی هند ارسال شد و سپس به کلکته برگردانند و از آنجا به انگلستان فرستادند و دوباره به هند برگردانده شد. در این مرحله، بعد از این که آقای بتون^{۲۰} در پست مشاور حقوقی جایگزین آقای مکولای شد، قوانین به طور کلی تغییر کرد. با استناد به همین بهانه، فرماندار کل^{۲۱} که در آن دوران «به تعویق انداختن» را هنوز «منشأ ضعف و خطرناک» برآورد نمی کرد، برای بار دوم آن را به انگلستان فرستاد و انگلستان نیز آن را دوباره با حکم تصویب به والی کل بازگرداند. بعد از مرگ بتون، والی کل کاری بهتر از این نمی توانست انجام دهد که متن قوانین را برای سومین بار به یک قاضی انگلیس بسپارد که از سنت های هندی هیچ اطلاعی نداشت و بر اساس اختیارش آن را به فرد دیگری سپرد که او نیز صلاحیت کافی نداشت. و این بود داستان سرنوشت قوانینی که هنوز تکلیفش روشن نشده است و اما در مورد پوچی آئین دادرسی در هند باید دانست که، سر شارل به آئین دادرسی انگلیس مراجعه می کند که همانقدر پوچ است که قبلی. و با تأکید روی فساد

¹⁷ حزبی بریتانیائی ست که در واقع از اجداد لیبرالهای امروزی ست. Whig حزب ویگ

¹⁸ نظام زمینداری و ریوتواری Zamindari, Ryotwari (رعیت داری)، نظامهای مالیاتی زمینداری هستند که انگلیس در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در هند برقرار کرد. قانونی که در سال ۱۷۹۳ در مورد زمین های دائمی برقرار شد تقریباً شامل تمام زمین های بنگال، بحیر و اوریسا می شد که در اختیار کشاورزانی بود که «زمیندار» بودند. تحت حکومت مغول کبیر، این فتودال ها را زمیندار می نامیدند که غالباً از بومیان بودند و تابع حکومت بودند و می توانستند زمین به ارث ببرند ولی به شرط این که سهم دولت را از دهقانانی که استعمار می کردند به مثابه مالیات می گرفتند. این نام «زمیندار» حتا به زمینداران بزرگ بنگال نیز اطلاق گردید. قانون مزبور این دهقانان را تحت حمایت دولت استعماری به مالک زمین تبدیل می کرد. با تسخیر هند همین نظام با تغییراتی چند در مناطق دیگر رواج داده شد. به این ترتیب «ری یوت» (دهقان) که تا دیروز هنوز از اعضای جامعه به حساب می آمد و واجد حقوق بود به زارع وابسته تبدیل شد. در آغاز قرن نوزدهم رؤسای بمبئی و مدراس نظام ریوتواری را اعلام کردند و دهقانان از این پس زارعین دولت نامیده شدند. زارعین از این پس می#بایستی به دولت بریتانیا بر اساس شاخص هائی که دولت استعماری تعیین می کرد مالیات می پرداختند. به این ترتیب زارعین دولتی سهم مالکیت زمین را به دست می آوردند. این نظام حقوقی متناقض از زمانی که مالیات به زمین بستند تا جایی پیش رفت که زارعین دیگر قادر به پرداخت مالیات ها نبودند.

¹⁹ Mr. Macaulay

²⁰ Mr. Bethun

²¹ Dalhousie

ناپذیر بودن مطلق قضات انگلیس در هند، اعلام می کند که با این حال حاضر است آنان را قربانی کند و تغییراتی در گزینش قضات انجام دهد. سر شارل به پیشرفت های عمومی هند اشاره داشته و موقعیت فعلی دهلی را با زمانی مقایسه می کند که در سال ۱۷۳۹ تحت اشغال شاه ایران، نادر شاه در آمده و به تاراج رفته بود. سر شارل با به عاریت گرفتن استدلالات و توصیه سرشناس ترین اقتصاد دانان در مورد مالیات بستن به محصولات مورد نیاز اولیه، مالیاتی را که به نمک بسته بودند توجیه می کند. ولی سر شارل به این موضوع نمی پردازد که این کارشناسان امور مالی چه خواهند گفت، وقتی بشنوند که در طی دو سال ۱۸۴۹-۱۸۵۰ تا ۱۸۵۱-۱۸۵۲ مصرف نمک تا ۶۰۰۰۰ بشکه کاهش یافته؟ یعنی ۴۱۵۰۰۰ لیور استرلینگ کاهش در درآمد حاصله از روی مالیات نمک که کل آن بالغ بر ۲۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ است.

موارد پیشنهاد شده توسط سر شارل که در چهار چوب تنگی گنجانده شده است، عبارتند از:

(۱) شورای مدیران متشکل از هجده عضو به جای بیست و چهار عضو، که دوازده نفر از آنها توسط سهامداران انتخاب خواهند شد و شش نفر دیگر توسط دستگاه سلطنتی بریتانیا.

(۲) حقوق مدیران از ۳۰۰ لیور استرلینگ به ۵۰۰ لیور استرلینگ ارتقاء می یابد و به رئیس هیأت مدیره ۱۰۰۰ لیور استرلینگ تعلق خواهد گرفت.

(۳) تمام پستهای اداری مربوط به امور مدنی و تمام انتصابات در هند با خصوصیت علمی در ارتش از طریق کنکور برگزیده خواهند شد.

(۴) والی کل، از این پس حکمرانی بنگال را به عهده نخواهد داشت^{۲۲}، و والی کل مجاز خواهد بود که رؤسای مناطق هند را تعیین کند.

(۵) تمام موارد قید شده به اجراء گذاشته خواهند شد، و تغییر و تحول در آن مشروط خواهد بود به تصمیمات احتمالی پارلمان. گفتمان سر شارل وود و قوانین پیشنهادی او مورد انتقادات شدیدی در طیف شوخ طبعی های آقای برایت (Bright) قرار گرفت. ولی چشم اندازی که از هند ویران شده توسط مالیات های بی رویه کمپانی (هند شرقی) و دولت ترسیم می کند، موضوع ویران کردن هند توسط منچستر و مراودات آزاد را مسکوت می گذارد.

ادامه دارد

²² بر اساس قرارداد ۱۸۳۳ والی کل بنگال حق حاکمیت بر تمام هند را نیز داشت